

یادمان داریوش اول در بابل^۱

اورزولا زیدل^۳

مترجم: شادی ابراهیمی^۴

مقدمه

در نخستین بررسی‌ها در بابل قطعه سنگ‌هایی با نقوش برجسته و کتیبه به‌عنوان یادمان‌های داریوش اول گردآوری شد، که دسترسی به همه آنها در موزه شرق نزدیک برلین غیرممکن بود.^۵ به همین دلیل از خانم ا. کلنگل^۶ برای کسب مجوز آتوپسی و انتشار قطعات، از آقای ی. مارسان^۷ به‌خاطر یاری در یافتن قطعات در ژورنال‌ها، از خانم ب. گرونوالد^۸ برای عکس‌ها و از آقای ج.

1 - Ursula Seidl, "Ein Monument Darius' I. aus Babylon", ZA, 89/1, (1999), pp. 101-114.

۳ - دانشگاه مونیخ

۴ - دانش‌آموخته فرهنگ و زبانهای باستانی، دانشگاه تهران

5 - U. Siedl, Ein Relief Dareios I. in Babylon, AMI NF 9(1976) 125-130 Taf.34-37.

6 - E. Klengel

7 - J. Mahrzahn

8 - B. grunwald

۹۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

نوکا^۱ برای حمایت‌هایشان در مجله اشتاین سپاسگزاری می‌کنم. این مجموعه تأییدی بر پیوستگی و ارتباط این یادمان با نقش برجسته بیستون است و اطلاعات به دست آمده از این مجموعه نیازمند پژوهشی نو بر این یادمان است.^۲

فهرست قطعات

این نقوش برجسته تکه‌تکه شامل قطعاتی از سنگ چخماقِ خاکستریِ مخلل با لکه‌های سفید هستند، که اف. و تسل^۳ آنها را با دیگر اشیای سنگی کشف شده تحت عنوان «غنایم جنگی و تزیینات کاخ‌ها»^۴ معرفی کرده است.

برای پیشگیری از ابهام، شماره این قطعات شماره‌گذاری نخستین بازسازی^۵ آنها را می‌پذیریم:

۱. کتیبه بابلی. ۳ ۶۲۷ (۱۸۸۹).

محل نگهداری: برلین. تحریر بابلی. ۱. ۵۰۲.^۶

محل کشف: «دیوار داخلی شرقی در نزدیکی گوشه شمالی دژ اصلی»^۷

1 - J. Noka

۲ - از آقای م. اشتراک برای یاری در ترجمه و کار کتیبه تشکر می‌کنم.

3 - F. Wetzel

4 - in: F. Wetzel, R. Koldewey, Die Königsburgen in Babylon II= WVD OG 55 (1932) 19-24

5 - Siedl, 125 f. Anm.4.

6 - H 26; Br 29-41; D 30.

7 - (Koldewey 1899: koldeewey 1901/2; 1925); r 19(Wetzel)". Lit.; R. Koldewey, MDOG 3(1899) 8; R. Koldewey/F.H.Weissbach, MDOG 11 (1901/2) 12 ff.; F. H. Weissbach, Babylonische Miscellen = WVD OG 4 (1903) 24-26 Taf.9; R. Koldew, Das wiederstehende Babylon (4. Aufl.1925) 164; F. Wetzel in: R. Koldewey, Die

یادمان داریوش اول در بابل ۹۷

۲. قطعات سنگی گوشه‌دار که با دو قطعه کنجی کتیبه دار دیگر متصل به یکدیگر بوده‌اند. (لوح bc۹)

محل نگهداری: برلین. تحریر بابلی. ۱۰۰۲۳^۱.

محل کشف: «دژ اصلی t13»^۲.

۳. قطعه سنگی گوشه‌دار با نقش برجسته ستاره بر یک روی و کتیبه‌ای بر روی دیگری (لوح ۷ b;8 a.b)

محل کشف: «9/10 S دژ اصلی در پناه دیوار غربی راه ورودی شهر»^۳

محل نگهداری: برلین. تحریر بابلی. ۵۰۹۱^۴.

۳. قطعه نقش برجسته دست‌ها (لوح a۴)^۵

königsburgen von Babylon II = WVDOG 55 (1932) 23 Nr. 22; E.N.von Voigtlander, The Bistun Inscription of Darius the Great: Babylonian Version = CII part1 vol. II (1978) 63-65.

1 - H 8-9: Br 9,5 (Seite A): D 6cm (Seite B)

2 - Lit.: F. Wetzel und F.H. Weissbach in: R. Koldewey, Die Königsburgen von Babylon II= WVDOG 55(1932) 23f.ABB:2; E.N.von Voigtlander, The Bistun Inscription of Darius the Great: Babylonian Version = CII part I vol. II (1978) 66.

3 - Bab.59 245 (1913). (Ph.-Nr.Bab. 3400-3403)

4 - H 31,5: Br 24 (Sternseite); D22(Textseite), Dm Stern 12 cm./ Lit.: F. Wetzel in: R. Koldewey, Die Königsburgen von Babylon II = WVDOG 55(1932) 22 Nr.18 Taf.19d.

5 - Bab. 59 644 (Jan.1914).

۹۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

محل کشف: «سوی شرقی دژ اصلی "Wetzel"»؛ راه ورودی شهر، بر دیوار غربی، "به همراه" قطعات بسیاری از استل‌های کتیبه‌دار "Wachsmuth"'

۵. قطعه نقش برجسته سر (ph.-Nr.Bab.619)(Bab.563 (1899).

محل کشف: «دژ اصلی S 9 در راه ورودی شهر»

محل نگهداری: برلین. تحریر بابلی. ۴.۴۴۲.

۶. قطعه کتیبه‌دار (لوح a۹)^۲

محل کشف: «دژ اصلی، دیوار غربی راه ورودی شهر S 9/10».

محل نگهداری: برلین.^۴

۷. قطعه کتیبه (لوح a۱۰)

محل نگهداری: نامعلوم.

محل کشف: «دژ اصلی، دیوار غربی راه ورودی شهر S 9/10»^۵

1 - Lit. F. Wachsmuth, MDOG 53 (1914) 39; F. Wetzel in: R. Koldewey, Die Königsburgen von Bbabylon II =WVDOG 55(1932) 21 Nr.14 Taf.19a.

2 - H 16; Br 22; D 6 cm./ Lit.: R. Koldewey, MDOG 53 (1914) 39; F. Wetzel in: R. Koldewey, Die Königsburgen von Babylon II = WVDOG 55(1932) 20 Nr.8.

3 - Bab. 59 246 (1913) (Ph.-Nr.Bab.3403)

4- H 16; Br 5,5; D 10 cm; Lit.: F. Wetzel in: R. Koldewey, Die Königsburgen von Bbabylon II=WVDOG 55 (1932) 22 Nr.19 a, Nr.18.

5 - H ca.19; Br ca. 17 co; D?; Lit."F.wetzel in: R. Koldewey, Die königsburgen von Babylon II = WVDOG 55(1932) 23 Nr.19 r, Nr.18.

۸. قطعه کتیبه که عکسی از آن نداریم Bab. 59 329 (۱۹۱۳).

محل نگهداری: نامعلوم.

اندازه نامعلوم.

محل کشف: مانند قطعه ۷^۱.

۹. قطعه نقش برجسته دست، که عکسی از آن نداریم. Bab.684 (۱۸۹۹).

محل نگهداری: نامعلوم.

اندازه: نامشخص.

محل کشف: «دژ اصلی s 19 در راه ورودی شهر»^۲.

۱۰. قطعه نقش برجسته «پا و قسمتی از جامه»، (1914) Bab.64 981 و Bab.65
625. هر دو قطعه با هم بوده‌اند (تصویر ۱) و (لوح b۴).

بغداد.

«لوح نقش برجسته با تصویر انسانی در اندازه طبیعی» (Wetzel).

محل کشف: «زیر دیوار غربی راه ورودی شهر»^۳

1 - Lit. F. wetzel in: R. Koldewey, Die königsburgen von Babylon II =WVDOG 55(1932) 23 Nr. 19 s.

2 - Lit. F. wetzel in: R. Koldewey, Die königsburgen von Babylon II =WVDOG 55(1932) 23 Nr.9.

3- Lit. F. wetzel in: R. Koldewey, Die königsburgen von Babylon II =WVDOG 55(1932) 20 Nr.12.

۱۰۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

۱۱. قطعه نقش برجسته با تصویر پاپوش^۱

محل کشف: «دژ اصلی در نزدیکی شیرها»^۲.

قطعات ۱۲ و ۱۳ قطعاتی از تصاویر جانوران هستند و حذف شده‌اند.

قطعات ۱ تا ۶ و ۱۱ در بخش شرق نزدیک موزه برلین نگهداری می‌شوند و می‌توان آنها را بررسی و مقابله کرد. از قطعه ۷، تنها عکس‌های پس از حفاری در موزه در دسترس است و از قطعه ۱۰ تنها طرح اولیه‌ای که فوند ژورنال^۳ ارائه داده بود (تصویر ۱) را در دست داریم که محل کشفش را بغداد می‌دانند. از قطعات ۸ و ۹ هیچ اطلاعات جدیدی نداریم و از این رو با شک و تردید مورد بررسی قرار می‌گیرند.

قطعات نقش برجسته

چهار قطعه از نقوش برجسته مورد بحث ما در برلین نگهداری می‌شوند (قطعات ۳: لوح a.b۸؛ b۷؛ قطعه ۴: لوح a۴؛ قطعه ۵: لوح ۲؛ قطعه ۱۱: لوح b۴)، علاوه بر آنها نقش مبهم و مشکوکی نیز از بغداد به دست آمده است (قطعه ۱۰ و تصویر ۱).

بقایای یک سر، تقریباً با اندازه سر انسان در گوشه چپ قطعه ۵ لوح ۲ دیده می‌شود، که فرم ظریف گوش‌ها و جای چشم‌ها و حلقه موها و ریش از نظر هنری متمایزش می‌کند؛ علاوه بر این آرایش مسطح موی سر در حالت لوله لوله در مقابل گل‌های لوتوس و ستاره هشت پر در این نقش بسیار تاثیرگذار است و تزیینات پایین تاج، درست مشابه نقش داریوش در بیستون است (لوح b۳).

1- Bab.388 (1899); Berlin VABab. 4 443; H 20.5; Br. 12; D 6cm.

2- Lit. F. wetzel in: R. Koldewey, Die königsburgen von Babylon II = WDOG 55(1932) 21 Nr.16.

3 - Fund journal

یادمان داریوش اول در بابل ۱۰۱

آرایش موها در یادمان بابل و بیستون و همینطور در نقش رستم که موها آرایش معمول پارسیان را دارد، متفاوت از یکدیگر هستند. موهای داریوش در بیستون بسیار ناهماهنگ است؛ از سویی روی گردن و روی گونه‌ها حلقه‌های مارپیچ پرپشتی می‌بینیم که در خط ریش و ریش به حلقه‌های چوب پنبه مانند رو به پایین بدل می‌شوند و از سویی دیگر روی سر و شقیقه‌ها تارهای مو نرم و تفکیک شده هستند و روی گردن به حلقه‌های مارپیچ بدل می‌شوند. اما وجه اشتراک همه این نقوش برجسته آرایش موهای کمانداریانی است که پشت سر داریوش ایستاده‌اند (لوح ۱/۳ a). در این مورد موها درست شبیه آنچه در سر یادمان بابل می‌بینیم، بر پیشانی و پشت سر حلقه‌های چوب پنبه‌ای است. اما نکته عجیب اینجاست که در سر یافت شده در بابل موج موی شقیقه‌ها شبیه به داریوش در بیستون است و به نظر می‌رسد که این قسمت در آرایش موها بعدتر ساخته شده است؛ چراکه این موج زیر چهار رشته موی آراسته منتهی می‌شود به پیچی که احتمالاً بقایای همان آرایش موی مارپیچ است، که پیشتر رایج بوده است.

سر به دست آمده از بابل، آرایش موی قدیمی تری را به نمایش می‌گذارد. در تصویر دو کماندار در بخش‌هایی از سر و در تصویر داریوش در تمامی سر - البته نه در ریش و پشت گردن - با موج‌های مسطح‌تر و زیباتری آرایش شده است. از زمان ساخت مقبره داریوش، دیگر در آرایش مو و ریش مردان پارسی موج موی چوب پنبه‌ای دیده نمی‌شود. از آن دوره موها موج‌دار و ظریف به موجی مارپیچ منتهی می‌شوند و بالای پیشانی رو به بالا مرتب شده و حلقه‌های مو بخش‌هایی از سرپوش را احاطه می‌کنند.

روی بزرگترین قطعه این تکه‌سنگ‌ها بقایای خمیدگی زردپی و دو زیر بازو مشخص است (قطعه ۴، لوح ۲۴). با اینکه نقش برجسته به شدت آسیب دیده است، اما ژست پیکر کاملاً مشخص است. کف دست‌ها رو به چپ است و به سوی داریوش و رو به بالا دراز شده و انگشتان دست‌ها از پهلو و شست‌ها کمی بلندتر و برآمده حکاکی شده‌اند و جهت دست راست و چپ مخالف یکدیگرند. قسمتی از کف دست چپ در معرض دید است و کف دست راست که به شدت آسیب دیده، رو به بیرون نقش شده است و از کنار نیز شکاف‌های کف دست مشخص است. هر دو دست به بازوهایی خوش‌فرم منتهی شده‌اند و از دید بیننده روی سطح سنگ بازوها از یکدیگر

۱۰۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

فاصله دارند و کمی روبه عقب هستند و حالت دست‌ها همان حالت دست داریوش در بیستون است که از نظر هنری حرفه‌ای‌تر و واضح‌تر شده‌اند (لوح ۵).

قطعه سنگی دیگر که نسبتاً در اندازه‌ای بزرگ به دست آمده و نقش انسانی بر آن است، متأسفانه در برلین نیست و تنها می‌توانیم به تصویر آن در فاند ژورنال بسنده کنیم (قطعه ۱۰، تصویر ۱).

این قطعه نقش یک پا و دست و جامه‌ای که از پا رو به بالا امتداد یافته را می‌نماید. پا بر خط مستقیم نیست و کمی مایل به چپ و با پاپوشی رویه کوتاه و دکمه‌دار تصویر شده است. در بیستون نیز شاهان دروغین رو به چپ ایستاده‌اند، اما اگر این تصویر نیز شبیه بیستون بود، باید قسمتی از پای دوم را نیز می‌دیدیم و جامه از سوی چپ و یا راست به پا متصل بود، اما اینطور نیست.

بنابراین با وجود فقدان نشانه‌ها و طرح‌های لازم معتقدم که پای گنوماته از پشت داریوش بالا آمده و قابل رؤیت است و پاپوشی با رویه کوتاه و بندی به پا دارد (لوح ۵). خطوط جامه به سختی قابل تشخیص است: چهار خط تقریباً عمودی و کمی مایل رو به پایین در سمت چپ تصویر دیده می‌شود، که کوتاه شده و تا سوی راست شکستگی امتداد دارند. خطوط عمودی نیز می‌تواند چین‌های پیراهن بابلی باشد^۱ و خطوط مایل سمت راست از آن شال و خط کوتاه سمت چپ شاید سایه نقش برجسته باشد.

۱ - داریوش در جامه شاهی بابلی نباید به اشتباه تصویر شده باشد، او در مصر با جامه فرارانه مصری نیز تصویر شده است. برای مثال: در دیوارهای معبد هیبریس در

Hargah (G. Gropp, in: M. Kraatz u.a. [Hrsg.]) *Das Bild in der Kuns des Orients* [1990] 45-55 Abb. 9-15

و در معبد چوبی در نکرولیس هرموپولیس

K. Mysliwiec, *Un naos de Darius- roi d Egypte*, in: Fs. Takahito Mikasa [1991] 221-246.

یادمان داریوش اول در بابل ۱۰۳

ر. م. بومر^۱ پیشنهاد می‌دهد که خطوط عمود، چین‌های جامه پارسی است، زیرا در این نوع جامه چین‌ها مایل و رو به پایین روی یکدیگر می‌ریزند. با این تعبیر ساق پای گنوماته باید اشتباهی از سوی رسام باشد و شاید با حذف این پا نقش این قطعه بسیار نزدیک به الگوی نقش برجسته بیستون است (لوح ۵). اما نظریه قطعی را زمانی می‌توان بیان کرد که باقی این نقش نیز یافت شود.

قطعه کوچکی (قطعه ۱۱، لوح b۴) که هنوز منتشر نشده است، تصویر بخشی از یک پا با چکمه‌های بندی که بندهایش بالای ساق پا بسته شده را دارد: از اطراف آن زبانه‌ای رو به بالا برآمده و بند اریب و منظمی از قسمت زبانه آن رو به گوشه جلویی امتداد دارد. شکل بند کفش‌ها نشان می‌دهد که پا از آن مردی است که رو به چپ ایستاده است.

چنین پاپوشی در بیستون پای شاهان دروغین سوم و هشتم است (لوح a.b ۱/۵/۶) و این دو شاه در جامه‌های بومی‌شان نیز مشابه یکدیگرند. آنها نیدینتو-بعل پسر کین-زیر و اروهی اورارتویی پسر خالدیتا هستند، که یکی پس از دیگری به قول نبوکدنصر، پسر نبونید، شاهی بابل را ربوده‌اند. موی سر و ریش هر دو کوتاه است و ردایی کوتاه و بالاپوشی آستین کوتاه به تن دارند و کمربندی برآمده بر کمر بسته‌اند و چکمه‌های بنددار به پا دارند. در تصاویر نقش رستم و تخت جمشید آشوریان چنین جامه‌ای به تن دارند.^۲ در بیستون شاهان دروغین با جامه‌های بومی خود ظاهر شده‌اند و نه با جامه مردم عادی و یا شاهی. برای نمونه گنوماته جامه پارسی به تن دارد و نه جامه مادی و یا جامه مغان^۳ (لوح ۵). این که هر دو پسر نبونید، شاه بابل، با ظاهر آشوریان تصویر شده‌اند و نه بابلیان، ثابت می‌کند که اصالت بابلی نبونید مورد تردید بوده است و به همین دلیل پسرانش با جامه آشوری تصویر شده‌اند.^۴

1 - R. M. Boehmer

۲ - در کنفرانس DOG در برلین در ۲۵ مارچ ۱۹۹۸.

3 - M. Roaf, CDAFI 4(1974) 133 f.

4 - p. calmeyer, AMI 21 (1988) 48;

۱۰۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

قطعه پنجم تکه سنگی مستطیل است که ستاره هشت پر دست نخورده‌ای بر یک سویش خودنمایی می‌کند و بر سوی دیگرش که به شکل مثلث قائم‌الزاویه با شکستگی در گوشه‌اش به نظر می‌رسد، بقایای کتیبه‌ای به جا مانده است (قطعه ۳ و لوح b,8a^v). ف. و تسلی، تنها نقش برجسته این اثر را به صورت ایستاده و عمودی منتشر کرده است. از آنجا که من در مورد «گوشه» نقش برجسته این قطعه توضیحات ایشان را به اشتباه متوجه شده بودم، در ابتدا این ستاره را در زمینه صحنه نقش برجسته پنداشته و آن را با تمثال حلقه بالدار بیستون تطبیق داده بودم، اما عکس‌ها و مطابقت‌های تازه‌تر نشان می‌دهد که این ستاره تو خالی و نزدیک به گوشه سمت راست و معلق است. علاوه بر این می‌توان ثابت کرد که کتیبه کمی تاب برداشته بوده و قوس‌دار است و از استلی قوس‌دار برای ساخت این نقش بهره جسته‌اند.

هیچ ستاره معلق در نزدیکی گوشه قوس‌دار نقش برجسته یا استل در یادمان‌های داریوش و کتیبه بیستون دیده نشده است. این ستاره نسبت به دیگر بخش‌ها نقش برجسته بسیار کوچک و نامتقارن تصویر شده است و به راحتی نمی‌توان آن را سمبل چیزی دانست. در بیستون در بخش بالای تصویر تنها نقش معمول و رایج نقش حلقه بالدار را می‌بینیم (لوح ۱) که در بالای تصویر معلق است، اما در تصاویر گورهای هخامنشی در بالای تصویر نقش ماه نیز وجود دارد.^۱

حال این سوال مطرح می‌شود که آیا در یادمانها علاوه بر حلقه بالدار و ماه، ستاره نیز تصویر شده است؟ ترکیب این نقوش در آیکونوگرافی هخامنشی نامتعارف و ناشناخته است و در همین راستا باید یادآوری کرد که این یادمان برگرفته از یادمان‌های بابلی است و در آیکونوگرافی بابلی از خورشید

۱ - کفشهای شاه صاف است، در حالیکه کفشهای بندی دیگر پارسیان متفاوت است.

W. Hinz, *Altiranische Funde und Forschungen* [1969] 76; S. Zawadzki, *Bardiya, Darius and Babylonian Usurpers in the Light of the Bistun Inscription and Babylonian Sources*, AMI 127-145; 128-130.

که تکیه بر فرضیه کالمایرز دارد و در مورد شاهی گئوماته معتقد است که داریوش بردیای راستین را کشته است.

یادمان داریوش اول در بابل ۱۰۵

بالدار معلق در بالای تصویر، که سمبل آشوری ایزد خورشید است، اجتناب شده است^۱ و این فرضیه که الوهیت در حلقه بالدار نبوغ آشوریان بوده، کاملاً رد شده است. به این ترتیب بسیار محتمل است که نقش ستاره بخشی از سه‌گانه بابلی (ستاره- شعاع خورشید- هلال ماه) است؛ به‌خصوص که این سه‌گانه خیلی هم کهن‌تر از استل‌های نبونید از حران، که احتمالاً در بابل ساخته شده‌اند، نیست (لوح av).^۲

قطعات کتیبه‌ها

هر چهار قطعه کتیبه سالم (قطعه ۱: لوح ۱۰ b؛ قطعه ۲: لوح ۹ b.c؛ قطعه ۶: لوح ۹ a؛ قطعه ۷: لوح ۱۰ a) و همین‌طور کتیبه سه‌گوش با نقش ستاره (قطعه ۳: لوح ۷ b و ۸ b و ۸ a) بی‌تردید متعلق به داریوش هستند؛ تنها در مورد قطعه ۸ تردید داریم، چرا که جز محل کشفش هیچ چیز دیگری از آن نمی‌دانیم.

قطعات ۱ و ۲ بقایای کتیبه‌ای در دو ستون هستند که وایسباخ^۳ و پس از او فون فویگتندر^۴ بررسی‌شان کرده‌اند. کتیبه قطعه ۱ شامل بخشی از خطوط ۵۸-۵۵ و ۷۲-۶۹ و قطعه ۲ بخش‌هایی از خطوط ۹۲-۹۱ و ۱۰۹-۱۰۸ تحریر بابلی کتیبه بیستون است. از متن قطعه سه که در چاپ نخستش ابتدا به عنوان سنگ مرز (کودورو) شناخته شده بود، تنها یک خط منتشر شده است: "خط ۲: kam" [14 u lib-bi ūmi [...išt]u]...". این قطعه در بردارنده بقایای ۱۳ خط (لوح ۸) بوده که مشابه خطوط ۱۸-۱۵ تحریر بابلی بیستون است:

1- P. Calmeyer, *Transuphratene 3* (1991) 122, 6.2.

2- E. F. Schmidt, *Perpolis III= OIP 70* (1970) 85 Taf.40 f.:49.57.

3- Weissbach

4- E. N. von Voigtländer

۱۰۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

قطعه کوچک ۶ (لوح ۹۹) را اشتراک^۱ خطوط ۲۷ و ۲۸ تحریر بابلی بیستون می‌داند، که در اینجا بازسازی آن را با هم می‌خوانیم:

- 1']-ma ¹ul¹-¹tu¹ K[UR ...]
 2' [ul-t]u lib-bi UD 14 [KÁM šá ITI ŠE šū ana uqu iparraš]
 3' [um-m]a a-na-ku ¹Bar-zi-ī[a DUMU-šu ša ¹Kuraš LUGAL ša KUR
 Parsu ŠEŠ.TUR ša]
 4' [¹Kam-bu-zi-ī]a ár-ki ú-qu gab-b[i lapani ¹Kambuzia ittekrū]
 5' [an]a muḥ-ḥi-šú it-tal-ku [Länder. UD 9 KÁM ša ITI ŠU agāšú]
 6' [LU]GAL-ú-tu iṣ-ša[-bat ár-ki ...]
 7' [¹Kam-bu-zi-ia mi-t[u-tu ramānīšu mīti ¹Dariamuš ...]
 8' [LU]GAL ki-a-am [iqabbi ...]
 9' [...]x-ti šá ¹[...]
 10' [¹Ka]m-bu-z[i-ia
 11' [NUMUN-]i-ni š[i-i
 12' [¹Kam-b]u-zi-[ia
 13' [ša-ni-]e¹-[ti].

از قطعه ۷ (لوح ۱۰۹) متاسفانه فقط عکسی که در حفاری‌ها گرفته شده را در دست داریم؛ اما حتی با افتادگی‌های بسیاری که دارد باز هم مشخص است که از گوشه بالای سمت چپ متصل به قطعه ۱ بوده است. به این ترتیب این قطعه نیز خطوط ۵۵ و ۵۶ تحریر بیستون بابلی را شامل می‌شود:

۱۰۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

سانتیمتر بوده است، اما برای محاسبه عرض و عمق یادمان باید همه چهار گوشه آن را داشته باشیم تا بتوانیم اندازه چهار طرف را محاسبه کنیم.

وایسباخ معتقد است که قطعه ۳ با نقش ستاره که کتیبه‌اش با خطوط ۱۸-۱۵ تحریر بابلی بیستون مطابقت دارد، متعلق به ستون دوم است که از گوشه جلویی و روی باریک سمت چپش به قسمت دیگر متصل می‌شده است (لوح b۷ و b۸).

در قطعه ۳۲ با بخش‌هایی از خط ۹۲ تحریر بابلی بیستون بر یک رویش و خط ۱۰۹-۱۰۸ بر روی دیگرش باز پشت و روی باریک سمت چپ به قطعه دیگری متصل بوده است (لوح ۹ b.c).

از آنجا که در دو گوشه قطعه نشانه‌های خطی تا لبه آن کشیده شده و دست کم در دو مورد قطعه ۲ تنها یک ستون بر روی سمت باریک قطعه حک شده است، به این نتیجه می‌رسیم که در سمت باریک آن تنها یک ستون در حدود ۵۲ سانتیمتری نگاشته بوده‌اند. اما این امر در مورد بزرگترین قطعه که همان قطعه ۴ است، صادق نیست، زیرا برای رسیدن به پشت آن تنها ۴۷ سانتیمتر داریم؛ در پشت قطعه می‌توانیم پنج ستون را داشته باشیم که پهنایی حدود ۲۶۰ سانتیمتر فضا می‌خواهد.

تمامی بقایای این نقوش برجسته گواه بر این امرند، که اشخاص تقریباً با اندازه‌های طبیعی تصویر شده‌اند و به این ترتیب ممکن نبوده بر این عرض ۲۶۰ سانتیمتری تمام تصویر بیستون را نقش کرد. داریوش (قطعه ۵: لوح ۲)، گئوماته (قطعه ۴: لوح a۴، قطعه ۱۰: تصویر ۱) و نبوکدنصر (قطعه ۱۱: لوح ۷) شخصیت‌های اصلی این نقش برجسته هستند. برای گئوماته افتاده به پای داریوش ۱۴۰ سانتیمتر در نظر می‌گیریم و به این ترتیب ۱۲۰ سانتیمتر برای پیکرهای ایستاده باقی می‌ماند. اندازه پا می‌تواند ۲۸ سانتیمتر باشد و برای هردو پاها می‌توان اندازه‌ای حدود ۵۶ سانتیمتر در نظر گرفت و به این ترتیب از ردیف شاهان دروغین تنها دو نفر می‌توانند اینجا نقش شده باشند. ما چکمه‌های بنددار یکی از شورشیان بابل را داریم، پس تنها یکی از شورشیان بابل، یا نیدینتو- بعل و یا آراخه می‌تواند مقابل داریوش ایستاده باشد و این برای یادمانی در بابل انتخابی عاقلانه است.

احتمالاً بالای سرشان سه سمبل نجومی، خورشید، ماه و ستاره، نقش شده و در خمیدگی بالای سر داریوش نیز کتیبه داریوش را نگاشته بوده‌اند، که همان خط ۶-۱ تحریر بابلی بیستون است و یا

یادمان داریوش اول در بابل ۱۰۹

به عبارت دیگر کتیبه‌های کوچک عیلامی و فارسی بالای سر داریوش (بیستون بابلی A؛ فارسی A) (لوح ۱). احتمالاً در کتیبه بابلی ستایش اهورامزدا (بیستون: تحریر بابلی، خط ۱۱-۴) را قلم گرفته‌اند و متن روی باریک سنگ نمی‌تواند غیر از شروع اخبار تاریخی داریوش چیز دیگری باشد (بیستون تحریر بابلی خط ۱۲). این احتمال نیز وجود دارد که ستایش مردوک در بالاترین نقطه نیمه زیرین نقش برجسته باشد، اما تصویر ۲ تصویری تقریبی از آنچه بوده به ما می‌دهد. بازسازی پیشنهادی این نقش درست مشابه و اندازه بیستون نیست و تغییر سبک نقش به بابلی کاملاً مشهود است. برای نمایش جایگاه «داریوش، شاه بحق بابل» تنها نشان دادن پیروزی بر بردیا و نبوکدنصر سوم و پنجم، که به‌عنوان فرمانروای بابل شناخته می‌شده‌اند، کافی و موثر بوده است.^۱ به نظر می‌رسد که سلاح‌داران پارسی‌اش نیز قربانی این سبک بابلی شده‌اند و با چشم‌پوشی از حلقه بالدار^۲ و ظهور «بعل» به جای «اهورامزدا» همه چیز با ایدئولوژی بومی بابل مطابقت دارد. استل‌های شاهی با بخش فوقانی قوس‌دار مشخصه یادمان‌های آشوری هستند که نوبند بارها از آنها بهره جسته است.^۳

تهیه و تولید

چگونه می‌توان انتقال خط و تصویر را از محلی به محلی بسیار دور تصور کرد؟ نقش برجسته بیستون نخستین یادمان به سبک هخامنشی است و بعضی از تصاویرش به سبک کهن‌تر و کلاسیک‌تر از نقوش گور داریوش در نقش رستم است. همان‌گونه که پیشتر دیدیم آرایش موی

1 - C. J. Gadd, *Anst.* 8 919580 35-92 Taf.II a.b.

۲ - کیفیت و سبک نقش برجسته دلالت بر هنر پایتخت شاهی دارد و نه کارگاهی در حران که چند دهه پیش در دست حکومت ماد بوده است. به ویژه اینکه تصاویر آیین پرستش سین و خانواده اش در بابل تازه در این دوره پدید آمده‌اند.

VAB 4, Nbn. 8 Kol. x: T.G. Lee, *The jasper cylinder Seal of Aššur-banipal and Nabonidus Making of sin's Statue*, RA 87[1993] 131-136.

خود استل‌های حران بیشتر از الگوهای آشوری تبعیت می‌کنند (SAA 10 Nr.13).

3- frgt.7 z.5

۱۱۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

داریوش در بابل سبک کهن تری از یادمان بیستون دارد. حال آیا می‌توان گفت که یادمان بابل کهن‌تر از بیستون است؟ این امر بسیار نامحتمل است، زیرا که متن بابلی اخبار و تفصیل کتیبه بیستون را به ما می‌دهد و تصاویر و متن با یکدیگر مطابقت دارند. به نظر می‌رسد که هر دو این نقوش برجسته از یک قالب و شالوده و از روی نمونه‌ای ساخته شده در کارگاه شاهی و با قابلیت جابه‌جایی درست کرده‌اند.^۱ در این نمونه‌ها احتمالاً آرایش موی پارسی به قدمت یادمان بابل بوده است و اگر این فرض را بپذیریم که سر داریوش کپی نقش برجسته بابل است، باید گفت که در بیستون آرایش آن را کمی تغییر داده‌اند.

می‌توان تصور کرد که شاید مدل تصویر تراشیده بیستون به شکل نقوش برجسته گلی سبک‌تر به تمامی بخش‌های شاهنشاهی فرستاده شده و سپس از روی این نمونه‌ها، تصاویر بزرگتری ساخته‌اند، که بزرگی‌شان بسته به محل قرار گرفتن و اندازه یادمان‌ها در آن منطقه بوده است.^۲

بخشی که به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نبوده، تصویرگنوماته، غاصب شاهنشاهی است که زیر پاهای داریوش افتاده است. در مقابل داریوش شاهان دروغین ایستاده‌اند و بر بالای آنها نشانه‌های دین غالب منطقه در اهتزاز است. اما احتمالاً تصاویر محلی در کارگاه‌های شاهی رسم و یا در قالب ریخته شده و به‌عنوان نمونه به دیگر مناطق شاهنشاهی فرستاده شده‌اند.

تقریباً تمامی قطعات در سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۱۳/۱۹۱۴ م. در حفاری‌های راه اصلی ورودی شهر و در باقی‌مانده‌های آجرهای دیوار غربی که کاملاً ویران شده است یافت شده‌اند. قطعات ۱ و ۳ و ۵ تا ۹ از بخش‌های r-s/9-11 هستند و محل کشف قطعات ۴ و ۱۰ را تنها می‌توان دیوار غربی دانست و محل کشف قطعه ۱۱ که در آغاز حفاری‌ها به دست آمده «در نزدیکی شیرها» ذکر شده است و قطعه ۲ که در سال ۱۹۱۰ م. با نشان داده t/3 کشف شد، پشت دیوار غربی راه ورودی

1- Weissbach (Frgt.1) 25.

2 - G. G. Cameron, *AJSL* 58 (1941) 314-325; R. Rollinger, *Herodots babylonischer Logos* (1993) 214 ff.; Zawadzki (Anm.9)132-145.

یادمان داریوش اول در بابل ۱۱۱

شهر دژ اصلی واقع بوده است، بنایی از ادوار متأخر بابل که بنا به گواهی الواح گلی مکشوف تا زمان هخامنشیان نیز کاربری داشته است.^۱

دیگر اینکه در بیستون فضای استل تصویر و کتیبه همه در چهار جهت تقسیم‌بندی شده‌اند و این یادمان می‌توانسته بر ستونی بلند نیز آزادانه میخ شود.

بیننده‌ای که از شمال وارد بابل می‌شده، هنگام عبور از دروازه ایشتر بر راه ورودی شهر تقریباً در بالای گوشه شمالی، دژ اصلی و در سمت راست با تصویر تاجگذاری داریوش روبرو می‌شده است.

ویرانی

از این یادمان کوچک که در اصل ۲۶۰ سانتیمتر عرض و ۵۰ سانتیمتر عمق داشته، قطعات سنگی کوچک و بزرگ نامنظمی یافت شده که نوع ویرانی‌شان ناشی از فشار و ویرانی طبیعی نیست و نشانه‌ها دالّ بر ویرانی عامدانه است. در هیچ یک از این قطعات شاهی برای کاربرد ثانویه‌شان در دست نیست؛ شباهتی به آنچه اغلب در شاهین‌های سنگی بابل برای مثال در سنگ‌های آسیاب یا کلون‌های در و یا تندیس‌های ناچیز دیده‌ایم، ندارد.

وقتی استلی به دنبال فرسایش و تغییر کاربری ویران نشده باشد، تنها می‌توان سببی ایدئولوژیک برای ویرانی‌اش متصور شد، آن هم برای چنین فشاری که یادمان را تکه تکه و خرد کرده است. به نظر نگارنده بسیار محتمل است که این ویرانی در زمان شورش بابل علیه خشایارشا و به دنبال اعتراض به سلطه هخامنشیان بر بابل رخ داده باشد.^۲

1 - A. Sh. Shahbazi, AMI NF 7(1974) 135-144: P. Calmeyer, JdI 94 (1979) 347-365.

2 - In Harrān: c.J.Gadd, An St.8 (1958) 35-92: in Lara: J-L.Huot u.a., Larsa (10 campagne,1983) et ouili (4 campagne 1983) (1987) 182.210 f. Abb.41.42:215 FF.Abb.3 4:Uruk(?):UVB 12/13(1956) 42 Taf.21 b;22a.; Unbekannter Herkunft:

۱۱۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

دیگر یادمان‌های مشابهی که داریوش به سرتاسر مناطق فرمانروایی اش فرستاده نیز می‌توانسته‌اند سرنوشتی مشابه یادمان بابل داشته باشند.^۱ و یا شاید در جای دیگری نیز ساخت چنین یادمان‌هایی را آغاز کرده اما به پایان نرسانده‌اند؛ زیرا صخره صیقلی در سمت جنوبی دژ وان وجود دارد، که خشایارشا مدعی است پدرش، داریوش، آن را ناتمام گذاشته است^۲ و می‌توانسته برای چنین یادمان مشابهی اما به سبک اورارتویی/ارمنی مهیا شده باشد. اما به جز یادمان‌های بیستون و بابل تنها یک تحریر آرامی بر پایروس در الفانتین از متن بیستون به دست ما رسیده است.^۳

تصاویر لوح‌ها

L.W.King, BBSt.Nr.37 Taf.XCIII f.; F.R. Scheil, RT 18 (1896) 15-29 Taf.I-III.

1 - W. Andra, Das wiederstandene Assur 91938) 159 Taf.74,

در بعضی از نقوش برجسته سنگی کوچک و با کیفیت آشوری پیکرهایی قابل تشخیص بوده است.

2 - J. V. Canby, AMI 12(1979) 315-320 Taf.10,5; B. Jacobs, AMI 29 (1997) 3030-308.

به نقش برجسته آجری از شوشو اشاره دارد که یادمان پیروزی اوست اما جاکوبز آن را رد می‌کند.

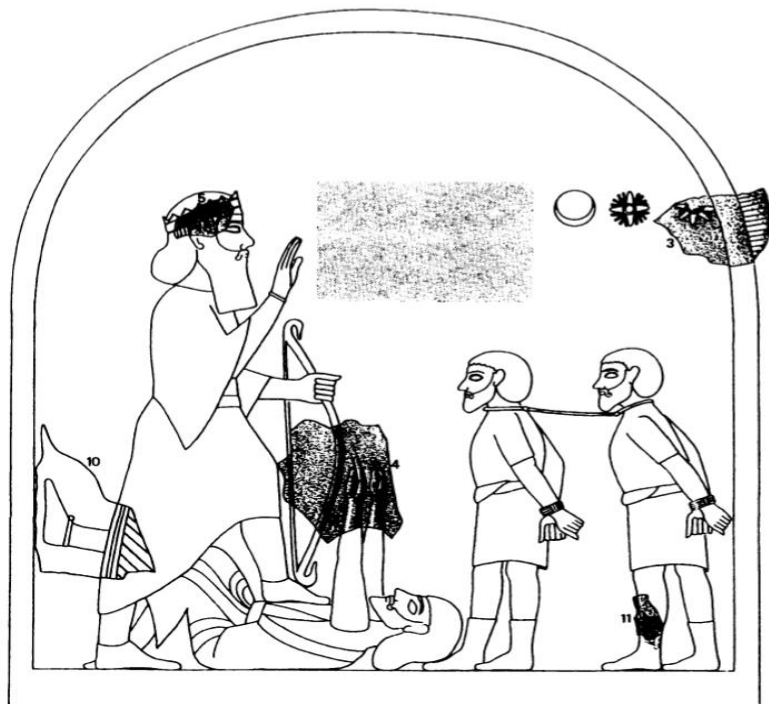
3 - M. W. Stolper, The Kasr Archive, in: Achamenid History IV (1990) 195-205.

۴ - متاسفانه به تصاویر باکیفیت از لوح b۸ قطعه ۳؛ IX. لوح a۹ قطعه ۶؛ لوح b۹ قطعه ۲ لوح c۹ قطعه ۲؛ لوح c۹ قطعه ۲؛ X. لوح a ۱۰ قطعه ۷؛ لوح b۱۰ قطعه ۱ دسترسی نداشتم. (مترجم/هیئت تحریریه)

یادمان داریوش اول در بابل ۱۱۳



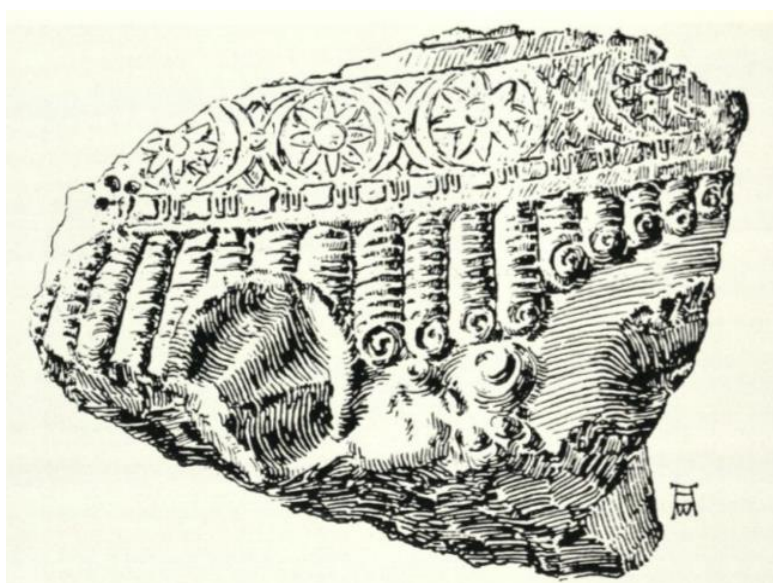
تصویر ۱. قطعه ۱۰ از فوند ژورنال



تصویر ۲. بازسازی استل بابل از وولف



لوح ۱. نقش برجسته بیستون.



۱۱. طرح لوح ۲. قطعه ۵.

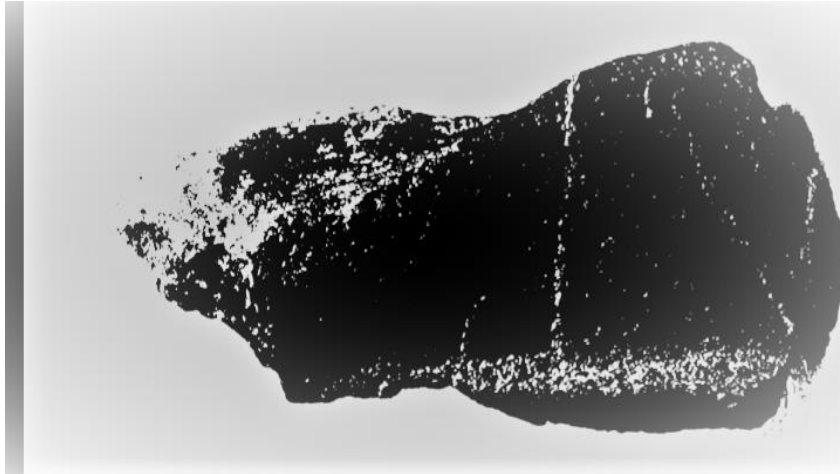
یادمان داریوش اول در بابل ۱۱۵



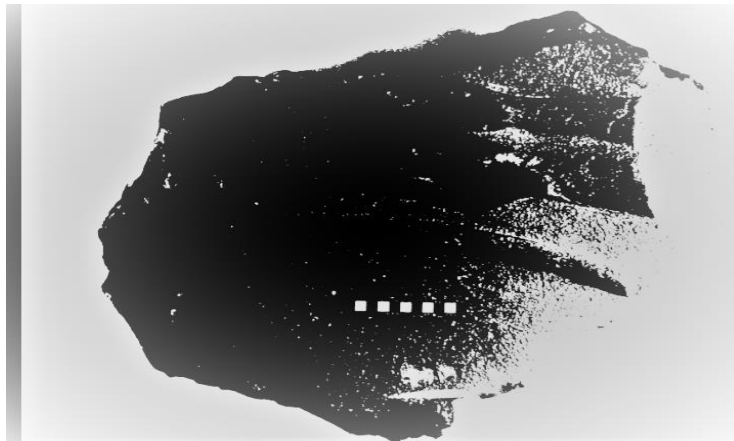
III. لوح a۳ بیستون سر کماندار



لوح b۳؛ سر داریوش



۱۷. لوح a۴. قطعه ۴



لوح b۴. قطعه ۲

یادمان داریوش اول در بابل ۱۱۷



۷. لوح ۵ بیستون تصویر گنوماته



۷۱. لوح ۶۸ بیستون. پای نیدیتتو - بل

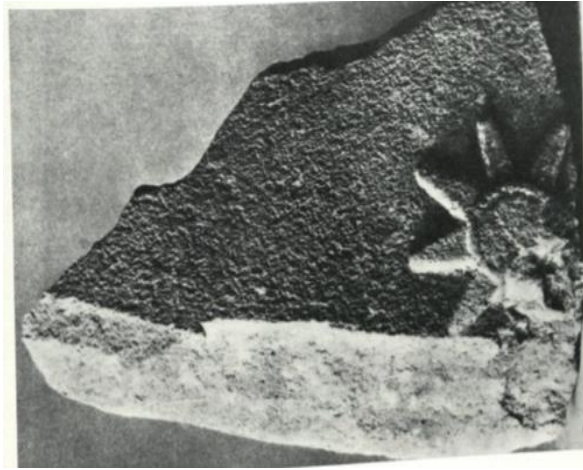


لوح b۶. بیستون پای آراخه

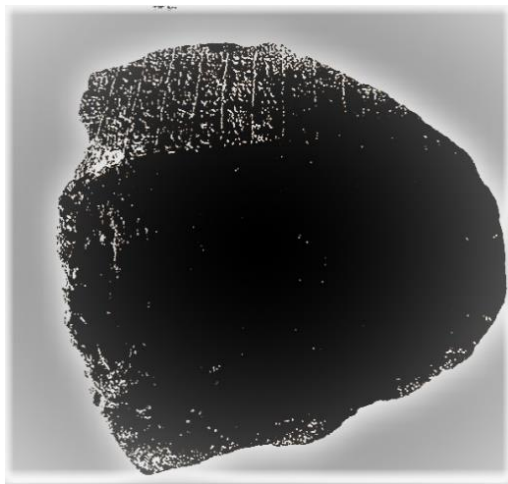


VII. لوح a۷ استل نیونید در اورفا

یادمان داریوش اول در بابل ۱۱۹



لوح b۷ . قطعه ۳



VIII . لوح a۸ . قطعه ۳